

الاحاليو

www.ketab.ir



سرشناسه	: اسمعیلی نوجاده‌ی، داود، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: آلاچالپو / نویسنده داود اسمعیلی نوجاده (بورغون).
مشخصات نشر	: اردبیل: آرچا، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۴ص.؛ ۵/۲۱×۱۴/۵سم.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۰۶-۰۰-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۴
موضوع	: th century ۲۰ Turkish poetry -- Iran --
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: th century ۲۰ Persian poetry --
رده بندی کنگره	: PL۳۱۴
رده بندی دیویی	: ۸۹۴/۳۶۱۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۶۱

شناسنامه کتاب
نام کتاب: آلاچالپو
نویسنده (شاعر): داود اسمعیلی نوجه دهی
قطع: رقعی
طراح روی جلد و صفحه آرا: فریبرز اسمعیلی
حروفچینی: حجت نظری
ناشر: انتشارات آرچا
سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۹، چاپ اول
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۰۶-۰۰-۸
قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال
حق چاپ محفوظ است

■ فهرست ■

- مقدمه ای از محمد علیزاده نوجه ده (فیلمساز) ۷
 دلن وشته ای از نویسنده ۱۵

اشعار ترکی

- تدیم زامان ۲۳
 یزه میدان خاطره سی ۳۵
 یوخ ۴۳
 اولکه مبین با حناری ۵۳
 خیال دونیاس ۵۹
 ایستیریم یوکوم چارم ۶۵
 فیکر اندیرم ابرگیمه ۷۱
 فلک منی ائله یوب باغری قان نه چاره قیلیم ۸۹
 کمند زولفون ای جانان چکیر آخیر منی ۹۳
 ای صبا ۹۷
 قفسده بولبول شیدا ۱۰۱
 یالواردیم اول نگاره ۱۰۵
 اونا زنین گوزلین ۱۰۹
 عشق سودا سیندا ۱۱۳
 بیر گوز آچیب یومونجا ۱۱۷
 عشق عقل ۱۲۱

گۆزلرایچره ۱۲۵

گول دندیم سئوگوله من ۱۲۹

دوشوبدور بیر گئجه فیکره ۱۳۳

غم یوگورب ۱۳۷

فیکیر دوشور باشیما ۱۴۱

گئنه کؤنلوم شوقه گلیب ۱۴۵

اشدار کوتاه سربست ۱۵۳

باران ۱۷۵

وزا-دن گؤنور قانقال کوللاری ۱۷۹

فیرلان خونشین - وره سیننه ۱۸۷

اشعار فارسی

باد خزان ۱۹۱

باز هم چلچله ها ۱۹۵

توسوار بودی به یک اسب سفید ۲۰۷

اخبار خون ۲۱۱

روزی که پانهادم عرصه وجود ۲۱۵

سوگنامه قره سو ۲۲۱

داود اسمعیلی دلبسته ماجراهاست. تمام وقایع زندگی اش از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی، در ذهنش به دقت و خوبی و صد البته به زیبایی ثبت شده است. اگر پای صحبتش بنشینیم، چنان توصیفی از فضا و مکان شخصت سال پیش را می دهد که گویی دیروز آنجا بوده است. همه محلات، راه ها، خانه ها و آدم هایی که در آنجا زیسته است را به خوبی می شناسد و دائماً در شعروداستان هایش از آن ها یاد می کند؛ می گوید: «من آییغام سیرا ندریم قدیم زامان دا».

سختی های زندگی از چشم و زبانش دور نمی ماند. توصیف و نقل صحنه های انرگن، را ندای وزن و قافیه نکرده و روایت از ماجراها و جغرافیا را در صحنه های گذارد. زبان بومی و فرهنگ و آداب و رسوم در اشعار او به خوبی پدیدار است. برخی از اشعارش (فیکر ا ندریم اورگیمده) تصویر کاملی از یک زندگی است زندگی که در روستا جریان دارد و روستایی که بدون شک محل دین کودکی اسمعیلی است (روستای سربند نمین). در این شعر، زندگی روستایی که نمونه ای از یک روستای آذربایجان است، مستند و روایت و معرفی می شود. لحظه های ناب روستا، کار کشاورزی، سد بستن، بیابان، هجاری، دامداری، چوپانی و ... همه به چشم می خورد.

نمادها و استعاره ها در شعرو نوشته های اسمعیلی به خوبی نقش آفرینی می کند و تعبیر و تکیه کلام های محلی و منطقه ای

ضرب المثل ها، مثل ها، تمثیل و ... برای انتقال بهتر مفهوم و منظور، در
میان اشعارش به درستی جا خوش کرده است:

قیچ پاچانی چیرمالاردوق
سوااگیریب چیپ چالاردوق
ارسین ایلن بند باغلاردوق
یئر اکر دوک سووواراردوق
سوچوخالیب بند ییخاردی

زبان شعری او علاوه بر زیبایی و دلنشینی و سادگی، حامل و حاوی
اطلاعات و موضوعات پیام آور و اندیشه ورز است که حلاوت و شیرینی
نگاهش را با رنگ و رایگان موزون و ریتم ضرباهنگ مناسب و شایسته
صد چندان می کنند و در این میان ذهن و زبانش پراز دغدغه های
مردمی و صحبت های آستان است. فقر، سختی، کوی و برزن، ظلم و جور
خان ها و اربابان و بی عدالتی ها فراوش نشده و همواره تقبیح می شود.
مهربانی و سیمای مادر را چنان با حسیت ترسیم می کند که گویی
هم اکنون کودک شده و در مقابل مادر نشسته است. مادر را می ستاید و
تصویری واقعی و ماندگار از او نقش می زند:

اگر ناخوش اولسیدیم من
سارالیبان سؤل سیدیم من
دییردی اوخ ننون اؤلسون
بالا دردون منه دیسین